

گفت‌وگوی تاریخ‌شناس فرانسوی با روزنامه «لوموند»:

# ناسازشگری، سازشگری است

*ترجمه وحید قسمتی‌تبریزی*



چیزی جز یک ناتوانی نبود. در عصر حاضر، با ناپدیدشدن اندیشه و مفهوم «انقلاب»، ما تنها شاهد پدیدارشدن وضعیت‌های دیگری بودیم؛ شورش می‌۶۸، مخالفت با تمامیت‌خواهی و پس از آن اعتراض به جهانی‌سازی.

**■ برخی انتقادشان به شما در اساس به‌خاطر رهاکردن اندیشه انقلاب یا «دموکراسی ریشه‌ای» است.**

من هیچ‌چیز را رها نکرده‌ام. تنها رادیکال‌بودن ۲۰سالگی‌ام را با رادیکال‌گری بسیار نابتر – یعنی تفکر بنیادین در مورد دموکراسی – تاخت‌زده‌ام، به این معنا که به جست‌وجوی آنچه دموکراسی هست و می‌تواند باشد، رفتم‌ام. رادیکالیت راستین در واقع راه رسیدن به بلند پروازی‌ها را هموار می‌کند. انقلاب پشت به بلندپروازی می‌کند. اگر چپی که به آن ایمان دارم آینده‌ای داشته باشد، آینده‌اش مبتنی بر عمق‌اندیشی دموکراتیک و رهاکردن بازی باواژگان و لغظاتی‌گری است.

**■ آیا شوریدن یکی از بنیادهای اساسی دموکراسی نیست؟**

تنها یکی از جنبه‌های آن است و نه مهم‌ترین آن. این درست است که باید بگذاریم همه مخالفت‌ها و اعتراض‌ها بیان شوند، حتی آنهایی که به‌نظرما خوشایند نیستند، ولی کار اساس دموکراسی به گمان من، مبتنی بر یافتن پاسخ به این اعتراض‌هاست. آنچه که در دموکراسی امروز لنگان می‌ماند، نبود چنین خیالپردازی در یافتن پاسخ‌هاست. ما همواره اعتراض داریم ولی دیگر هیچ پاسخی در دست نداریم. یافتن و ساختن این پاسخ‌ها باید دغدغه اساسی دموکراسی خواهی‌شود.

**■ چگونه فردگرایی شورشمند می‌تواند در آینده رشد کند؟**

به گمان من ایده اساسی باید بر خودآگاهی جمعی فراگیر از بن‌بستی که این اندیشه «شورش» ما را به آن رسانده است، مبتنی باشد. اندیشه شورش، ما را از وضعیت موجودمان آگاه کرده ولی توانایی جمعی را از ما گرفته است. من بسیار به بازگشت به دوران سیاست کلاسیک مبتنی بر نیاز عمل‌گرایی جمعی اعتقاد دارم. «عمل‌گرایی جمعی» به معنای بازگشت به ساختارهای گذشته نیست. ساختارهای نو باید پدید آیند. ما حزب لینن یا سندویکای این یا آن گروه را پدید نخواهیم آورد. ولی این به این معنا نیست که به تکامل خطی باور داشته باشیم. آینده، مداوم حال نیست. به گمانم آغاز این آینده را پیشاپیش می‌توانیم-بینیم.

من از مشاهده خودخواهی همه‌گیر افراد به شگفت می‌آیم. خودخواهی‌ای

## جنگ طولانی دیگری در راه است



خود را از این حملات باوجود اینکه خلاف مقررات حزبی‌شان بود، اعلام کردند. زیرا درست همین سال گذشته بود که اوپاما نتوانست اجازه قانونی کنگره را برای حمله هوایی به خاک سوریه البته به بهانه ادعای استفاده سوریه از سلاح شیمیایی پیدا کند. اکنون داعش تهدیدی جدی برای منافع آمریکا (نقش بارز تبلیغات اینترنتی داعش در نمایش سربریدن روزنامه‌نگار آمریکایی و یک‌نفر برنیتانیایی) محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچند ادعای آمریکا در ائتلاف کشورها، برای برنامه حمله در خاورمیانه است اما این روحیه عمق و ریشه بسیار ضعیفی دارد. چراکه معلوم نیست ائتلاف حاصله بتواند ثبات سیاسی را در خاورمیانه ایجاد و مداوم کند و چپس‌امویریت آمریکا در «عملیات ضد‌تروریستی» با تأثیرگذاری بر افکار عمومی آمریکا مواجه‌شود. اوپاما برنامه خود را شفاف نکرده چراکه از یک طرف اعلام کرده داعش اصلی‌ترین ماموریت است که مردم خاورمیانه را با تهدیدی جدی روبه‌رو کرده و از جانب دیگر ادعا دارد که «این تنها جنگ آمریکا نیست، بلکه تصمیم کلی رهبری در آمریکاست که بتواند با حمله به مواضع تروریسم، مردم را در مناطق مختلف جهان از خطر نجات دهد. برای همین از عبارت «شبکه مرگ» برای توصیف داعش استفاده می‌کند.

برای نمونه، عملیات هوایی علیه گروه وابسته به القاعده «خراسان» ادعای او را در برقراری امنیت منطقه دچار شک‌وت‌ردید می‌کند. یکی از اشتباهات تاکتیکی آمریکا در برنامه‌ریزی حمله به خاک سوریه به بهانه سرکوبی مواضع داعش، غفلت از هم‌سویی دولت سوریه در دشمنی با داعش است که البته این اتفاق در اوضاع سیاسی داخلی سوریه مشخص است. در این میان، برخی خبرهای ضدونقیض از دخالت سوریه در حرکات گروهک «خراسان» حکایت داشته یا اینکه حملات به مواضع «خراسان» در منطقه «کوبانی» را کار حکومت سوریه تبلیغ می‌کنند که هر دو ادعا، دسیسه‌ای آمریکایی است. آمریک‌ا‌دعا

اندیشه «مارسل گتسه»، فیلسوف و تاریخ‌شناس فرانسوی، مبتنی بر بازاندیشی مفهوم «مدرن» و خواست‌های به‌دست‌آمده از آن از خلال اندیشه کسانی چون «هایدگر» و «فوکو» است. رویکرد فلسفی او را می‌توان فلسفه سیاسی نامید، چرا که او فلسفه را جدا از وضعیت سیاسی – اجتماعی وابسته به آن بررسی نمی‌کند. متن پیش‌رو، تر ترجمه مصاحبه‌ای است که روزنامه لوموند با به‌خاطر سخنرانی افتتاحیه امسال او در همایش هرساله با نام «Rendez-vous de l’histoire»، انجام داده است. این همایش نهم تا دوازدهم اکتبر در شهر بلوا فرانسه با عنوان «شورش» برگزار شد. برخی از شرکت‌کنندگان از شرکت در همایش به خاطر حضور او انصراف داده‌اند، زیرا او را یک «معترض» به هرگونه شورش و اعتراض می‌دانند.

**■ چرا حضور شما در همایش چنین جنجال‌آفرین شده است؟ آیا شما یک مبارز از ترجاج‌طلب هستید؟**

تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که من چنین برداشتی از خودم ندارم، آنچه باعث شگفتی من می‌شود، حمله از سوی تاریخ‌شناسانی است که اصل نخستین حرفه‌ای‌شان از جاع به سند راستین است. آنچه که من شاهدش هستم، تنها تهمت‌های ناروایی‌هیچ پایه علمی است. به من سخنان جنسیت‌گرا یا ضد همجنس‌گرا نسبت می‌دهند. این در حالی است که از سال ۱۹۸۰ تاکنون تلاشم بر این بوده که نشان دهم جنبش‌های آزادپخواه زنان، برآمده از فراگیرشدن روند دموکراتیک در غرب بوده است.

**■ به چه دلیلی موضوع اصلی همایش «شورش» است؟**

ساده‌انگاری بزرگ کسانی که خود را شورشی می‌دانند، این است که خود را درست مانند اشراف‌زادگان مالک این مفهوم می‌دانند و متوجه این امر نیستند که «شورش» به یک هنجار تبدیل شده است؛ باورشان این است که این مفهوم، یک چیز «شیک» است. «شورش» تبدیل به مظهر «فردیت» در دنیای مدرن شده است. امروزه، فرد با قراردادن خود در برابر آنچه «اقتدار» نامیده می‌شود، تمنای فردیت می‌کند. آنچه مایه ترس انسان امروزی می‌شود، «سازش‌پذیری» است. بزرگان خود را رها از بند دیگران فرض می‌کنند، ستارگان خود را تافته‌جداییافته از ممنوعیت‌های پیش‌رو می‌بینند و روشنفکران خود را برهم‌زننده نظم موجود تصور می‌کنند. ما در دنیای مملو از «شورش‌شان» زندگی می‌کنیم. در نهایت افرادی که خود را شورشی می‌نامند – که من به هیچ‌روی ایشان را شورشی نمی‌دانم – تنها پیشروهای جمعیت عادی هستند. زمانی که همه خویش را ناسازشگر می‌دانند، ناسازشگری سازشگری است.

**■ آیا این درست است که شورش در جهان سیاست، بیشتر در جناح راست دیده شده تا در جناح چپ؟**

همین‌طور است. جناح راست به دلایل ساختاری، شورشی باقی می‌ماند. به این پرسش بیندیشید که چرا کسانی در جهان به‌راستی سازش‌ناپذیرترین افراد در برابر «نظم» در جهان امروز هستند؟ پاسخ من این است، کسانی که از آغاز انقلاب۱۷۸۹ در برابر شیب روبه‌صعود جامعه‌های ما مقاومت کرده‌اند، کسانی که حرکت هدایت‌شونده روبه‌جلو را انکار می‌کنند و همواره عقب‌نشینی از اصل اقتدار را افسوس می‌خورند، اگر هم در غرب برابری جنسیتی را از دست‌رفته می‌دانند، تنها برای این است که بگویند «در گذشته اوضاع بهتر بود». تبار جریسان اعتراض در دنیای امروز به قرن ۱۹ بازمی‌گردد: از یک‌سو اعتراض به «ضدانقلابی‌بودن و از سوی دیگر، اعتراض هنرمندان به عوام‌گری جامعه‌ای که اثر هنری را با دادوستد آن کاهش می‌داد. آنچه ما در قرن اخیر شاهد بودیم، گذر از راست شورشی به چپ شورشی مهکام با آشکارشدن پدیده‌ای نو در عصر حاضر است: عقب‌نشینی و ناپدیدشدن اندیشه انقلاب زیرا بزرگ‌ترین نقد بر شورش از سوی پروژه انقلاب می‌آید. انقلاب همیشه با یک «نه» همراه بوده است. نه از موضعیت کارگزار. انقلاب در گذشته همواره خواهان نظم‌پذیرشدن به اعتراض کارگری بوده تا نیروی نفی‌کننده، یک حرکت سازنده بیافریند زیرا در نظر اندیشه انقلابی، اگر شورش چارچوب پیدانمی‌کرد، به خودنظم‌نمی‌بخشید و از وضعیت آگاهی اولیه به لزوم تغییر جامعه از رهگذر انقلاب بدل نمی‌شد،

### جهان

جوان ۱۵ساله‌ای است از

منطقه‌ای واقع در جنوب فرانسه که هرچند مشغول تحصیل بوده، اما به‌نوعی هم آرزوهای زیادی را برای خدمت به مردم جهان داشت. او نیز همچون توده عظیم جوانان اروپایی و به‌خصوص فرانسوی، دارای دوگونه شخصیت بود: یکی هویت فیس‌بوکی که صرفاً نقش دختری جوان را داشت و در نقش دوم شخصیتی، بنده‌ای بود که خالق هستنی او را برای کمک به برادران و خواهرانش در سوریه انتخاب کرده بود. در یکی از روزهای اوایل سال‌جاری‌میلادی بود که «عادل» بعد از پایان برنامه روزانه خود دیگر به خانه بازنگشت و ضمن خروج از شهر و دیار خود (مارسی) بی‌درنگ به جانب سوریه رهسپار شد. خانواده‌اش می‌گویند او از طرف مجاهدین «داعش» به گروگان گرفته شده است.

هم‌اکنون مشایه چنین روایت‌هایی به‌وفور در فرانسه، سرزمینی که بیشترین جمعیت اقلیت مسلمان را در خود دارد، شنیده می‌شود. وزیر کشور فرانسه در این‌باره می‌گوید تاکنون ۹۲۰ شهروند فرانسوی یا پیش از این یا درصدد سفر به این دوشکور برای پیوستن به «داعش» هستند. البته تاکنون نیز ۲۶ نفر طی درگیری‌ها کشته شده‌اند و هرچند دوشکور بلژیکی و دانمارک نیز در این خصوص بازنده هستند، اما کشور فرانسه بزرگ‌ترین بخش اروپا در تأمین نیروی جوان برای پیوستن به «داعش» است که حداقل یک‌پنجم آن‌س را دختران و زنان تشکیل می‌دهند.

«وینیا پونزار» نویسنده کتاب «آنها در آرزوی دیدن بهشت، وارد جهنم می‌شوند» به بررسی این موضوع در میان شهروندان فرانسوی پرداخته است. مردان جوان هم که بسیاری از آنان ارتشی بوده یا سابق نظامی داشته‌اند، در میان مسافران پیوستن به «داعش» هستند. تفاوت مهمی که در میان دختران علاقمند فرانسوی برای ترک خانواده و پیوستن به «داعش» دیده می‌شود، نوع جدیدی از «آرزوی کمک به کودکان بی‌گناه» در جهان است.

ویژگی چشمگیر این موج جدید، طبعیت «خودخدمتی» است. چه افراد جوان داطلب فقط با برخورداری از فضای اینترنت و از طریق «کلیک» یا شبکه‌های اجتماعی، در کوتاه‌ترین زمان پروازی از طریق ترکیه خود را به سوریه می‌رسانند.

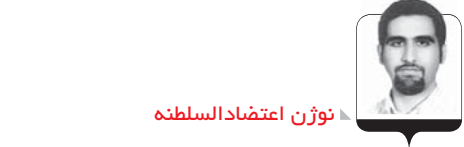
گزارش‌ها نشان می‌دهد فرانسه برای مدت‌زمان طولانی از بحران تروریسم در امان نیست؛ چراکه پاریس نتوانست مانع خروج جوانان تندرو با پروازهای ارزان‌قیمت و رسیدن آنان به ترکیه شود. همچنین مشارکت و همراهی حکومت فرانسه با آمریکا در حملات هوایی در عراق علیه مواضع «داعش» برای افراطیون جهادی «داعش‌ای چیز ساده‌ای نبود؛ چراکه در سپتامبر گذشته یک تبعه فرانسوی در الجزایر توسط تروریست‌های «داعش‌ی سر بریده شد. اما وقتی خبرنگاری از نخست‌وزیر فرانسه پرسید که به نظر شما چه عاملی باعث نگرانی و شهب‌ندماری او برای اوضاع مملکت‌داری می‌شود، او تنهاعلت‌افزایش حرکات تروریستی اعلام کرد.

**منبع:اکنونیمست**



نگاه

**مصاف «پوتین» ز نرال‌ها با پای لنگان «اون»**



**نوژن اعتضادالسلطنه**

«نخست‌ارتش»، این سیاست «کیم‌جونگ‌ایل» رهبر پیشین کره‌شمالی بود. ارتش خلق کره‌شمالی در تاریخ هشتم‌فوریه سال ۱۹۴۸ تشکیل شد این در حالی بود که هفتم‌اه پس از آن نظام‌جمهوری دموکراتیک خلق در آن کشور استقرار یافت؛ موضوعی که نشانگر اهمیت و اقتدار ارتش به‌عنوان نگهبان اصلی رژیم سیاسی پیونگ‌یانگ است. پیش از این، فرماندهانی که علیه زاین به «کیم‌ایل‌سونگ»، بنیانگذار جمهوری دموکراتیک خلق یاری رسانده بودند، ایفاگر نقشی کلیدی در تمام عرصه‌هاشدند. قدرت ارتش در زمان زمامداری «کیم‌جونگ‌ایل» نیز افزایش یافت. در آن دوره ارتش جای حزب کارگران را گرفت. «کیم» در دهه ۸۰میلادی کنترل فرماندهی ارتش را در دست گرفت. عده‌ای معتقد بودند او فاقد توانایی رهبری و کاریزمای پدرش است اما کیم‌جونگ‌ایل با نزدیکی به نظامیان در سال ۱۹۹۱میلادی به مقام فرماندهی ارشد ارتش رسید. بازنگری انجام‌شده در قانون‌اساسی کره‌شمالی در سال ۱۹۹۸ سبب شد تا «کمیته دفاع‌ملی» متشکل از نظامیان، مسوولیت بیشتری را برعهده گیرند. دیدارهای کیم‌جونگ‌ایل در سال۲۰۰۵ نیز نشان از توجه ویژه او به ارتش داشت. او از ۱۲۴دیار خود در آن سال دست‌کم ۵۰۰دیار را از مراکز نظانی انجام داد و تنها ۲۱دیار مربوط به مسائل دیپلماتیک‌بودند.

با این حال، وضعیت مستحکم ارتش کره‌شمالی پس از مرگ کیم‌جونگ‌ایل در دسامبر سال ۲۰۱۱ با تهدید مواجه شد. روی کار آمدن «کیم‌جونگان» ۲۷ساله و کم‌تجربه که سال‌ها در کشور دموکراتیکی چون سوویس زندگی کرده بود و برخلاف پدرش تحصیلمکرده کشورهای اروپای‌شرقی نبود، زنگ خطر را برای نظامیان به صدا درآورد؛ احتمال تمایل او به انجام اصلاحات و متزلزل‌شدن پایه‌های رژیم بسته پیونگ‌یانگ. پیش‌تر اندیشکده «بروکینگز» در گزارش سیستمبر سال ۲۰۱۰ خود از وجود رقابت در میان سطوح درونی نیروهای نظامی و نهادهای مدنی از جمله دستگاه سیاست خارجی خبر داده بود. قدرت ارتش در دوره زمامداری کیم‌جونگ‌ایل به حدی بود که دور روز پس از دیدار نظامیان با رهبر کره‌شمالی در تاریخ هشتم‌فوریه۲۰۰۵ وزارت امور خارجه پیونگ‌یانگ اعلام کرد آن کشور مذاکرات هسته‌ای با گروه شش‌جانبه را به‌طور نامحدود به تعلیق درآورده است.

روند رویدادهای سیاسی در کره‌شمالی نشان دادند نگرانی نظامیان کره‌شمالی بی‌سبب نبوده‌است. تنها هفت‌ماه پس از مرگ کیم‌جونگ‌ایل خبر برکناری «ری‌هونگ‌هو»، رییس پیشین ستاد کل ارتش کره‌شمالی به دستور «اون» منتشر شد. این موضوع باعث شگفتی ناظران سیاسی شد چرا که این شخصیت برجسته نظامی یکی از اصلی‌ترین افراد درون حلقه نزدیکان «اون» بود و نقش مهمی را در برنامه‌ریزی چگونگی انتقال قدرت به نسل‌سوم خاندان کیم داشت. این رویداد نارضایتی نظامیان باتجربه‌از اقدام «اون» کم‌تجربه را افزایش داد. تصفیه‌های درونی به رییس ستاند مشترک ارتش محدود نماند. مدتی بعد خبری منتشر شد مبنی بر آنکه



«جنگ‌سونگ‌تاک»، شوهر عمه «اون»، به دستور وی کشته شده است. این در حالی بود که پیش‌تر گفته می‌شد میزان تأثیر‌گذاری این فرد بر رهبر کره‌شمالی بیش از سایرین بوده است.

بیش از یک‌ماه خبری از «اون» نبود. روزنامه «گاردین» در این‌باره نوشته بود: «ایا سلسله کیم در کره‌شمالی سرنگون‌شده است؟» برخی منابع از کودتای نظامیان علیه «اون» خبر می‌دادند و برخی با استناد به آخرین تصاویر منتشر‌شده از «اون» که در آن او با پای لنگان در حال حرکت بود، از احتمالاً ابتلای او به بیماری سخن گفتند و این موضوع را علت اصلی غیبت رهبر کره‌شمالی در محافل عمومی دانستند. خبر‌گزاری دولتی کره‌شمالی، اما روز سشنشنبه با انتشار خبری گزارشی داد رهبر آن کشور روز سشنشنبه عصابه‌شد در یک محله مسکونی که به‌تازگی برای دانشمندان ساخته شده، حاضر شد. با این حال، این خبر‌گزاری اعلام کرد رهبر پیونگ‌یانگ چه روزی از این مکان بازدید کرده بود. گرچه خبر‌گزاری دولتی کره‌شمالی با انتشار این خبر درصدد طبیعی جلوه‌دادن وضعیت سرزمین جداافتاده از جهان برآمده است، اما این حال، اما شواهد نشان از آن دارند که انجام اصلاحاتی در سطح اجتماعی و اقتصادی در کره‌شمالی از زمان به‌قدرت‌رسیدن «اون» ارتش آن کشور را نگران کرده است. چندی پیش روزنامه «گاردین» گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد زنان ساکن کره‌شمالی می‌توانند از «کش پاشنه‌بلند»، استفاده کنند و این موضوع به امری رایج در پیونگ‌یانگی تبدیل شده که سال‌ها مردمانش مجبور به پیروی از قوانین سختگیرانه بودند. همچنین افزایش سفر ورزشکاران خارجی به کره‌شمالی نیز نشانه‌ای از بازشدن تردیدی‌درهای بسته پیونگ‌یانگ به روی کشورهای غربی بود. پیش از این نیز تمایل به اصلاحات از دوره «کیم جونگ ایل» وجود داشت اما مرگ به او اجازه تحقیقش را نداد. «کیم جونگ ایل» در یکی از سفرهایی که در سال ۲۰۰۱ به چین انجام داده بود، با مشاهده آسمان‌خراش «پودونگ» به اطرافایش دستور داد «بنای بزرگ» مشابهی را در پیونگ‌یانگ احداث کنند. این موضوعات برای ارتش دست‌کم یک‌میلیون‌نفری کره‌شمالی، نیروی نظامی که بزرگ‌ترین خریداران، مشتریان مصرف‌کننده و کارکنان را در اختیار دارد و خود را منبع قدرت رژیم سیاسی می‌داند، امری نگران‌کننده است. غیبت طولانی مدت «اون» گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال تشدید نبرد قدرت در داخل هیات حاکمه میان نیروهای نظامی، دیپلمات‌ها و چهره‌های سیاسی را افزایش داده است. نظرسنجی‌ها نیز نشان از آن دارند که این موضوع در یک‌دهه آینده می‌تواند احتمال وقوع پیونگ‌یانگ را تقویت کند. در نظرسنجی انجام‌شده توسط انستیتو روابط بین‌الملل «ایلمین» درجنوبی در سال ۲۰۱۴میلادی که در آن ۱۲۵کارشناس از کشورهای مختلف جهان حضور داشته‌اند، بیش از ۶۶/۶ کارشناسان بر این باور بودند که علت فروپاشی احتمالی کره‌شمالی را باید در مزاحه بر سر قدرت در ساختار هیات حاکمه جست‌وجو کرد. در این میان ۲۴/۴درصد از پاسخ‌دهندگان احتمال سقوط را به‌دلیل برنامه‌های ناکارآمد اقتصادی و تنها سه‌درصد علت آن را قیامی مردمی ذکر کرده بودند.